

ترجمہ ازہ بجلاہ Awake (ییدار شو) بقلم آقای احمد سعیدی

نویسنده محترم منتشرہ در امریکہ در ماہ اوریل ۱۹۵۹

مطابق ماہ اردی بہشت ۱۳۳۸

## زندگانی خانوادگی در دنیا دچار

### انقلاب و بحران عظیمی شدہ است

خانوادہ ہا در سراسر گیتی ، یعنی در تمام کشورہا ، از داخل و خارج ، تحت فشارہای ہولناکی قرار گرفتہ اند چنین وضعی ہرگز سابقہ نداشتہ است . عوامل نیرومندی بقلب زندگی خانوادگی ضربتہای شدید میزند کہ وجود آنرا بہ نیستی تہدید میکند تہذیبہای ملی ، انقلابہای صنعتی ، عقائد نو ظهور در موضوع اطفاء غرائز جنسی ہمہ دست بہم دادہ زندگی در خانوادہ را تحت ، تأثیر عظیم قرار دادہ و میخواستند اساس آنرا متزلزل سازند و بنیاد آنرا بر اندازند .

در قرنہای گذشتہ تمدن نژاد سامی (عرب و یہود) یا بابلیہا و مصریہا و ایرانیہا در اساس زندگی خانوادگی کمتر تغیراتی میداد ، اما در این صد سال اخیر ؛ درد نیای جدید تغیرات مہم میخواستند اجتماع خانوادگی را متلاشی سازد ، این امر برای عقلا و دانشمندان باعث نگرانی عظیم شدہ است . در

تمدن قدیم کشاورزی اولین و مهمترین وسیله امرار معاش بود ، پدر ریاست خانواده را بر عهده داشت ، اولاد خواه پسر و خواه دختر ، ولایت و حکومت او را قبول داشتند و امر و نهی او را گردن مینهادند و با و احترام میکردند . اطاعت و فرمانبرداری از امر پدر یا مادر ، اولین دستور و قاعده زندگی گانی بود . قدرت پدران باندازه ای بود که میتوانستند حتی اولاد خود را بفروشد یا آنها را در مراسم و تشریفات دینی یا منظورهای دیگر قربانی کنند . در امر ازدواج اولاد یا تعلیم و تربیت آنها ، همچنین نوع کار آنها و محل آن ، پدران نظارت و مراقبت شدید داشتند . دختران در انتخاب شوهر رأی و نظری نمیتوانستند داشته باشند . افراد عائله با هم زیست میکردند و بزرگ میشدند و با هم کار میکردند .

در مقابل حوادث و سوانح ناگوار زندگی گانی مجتماً و متفقاً بدفاع برمیخاستند . تفریح و سرگرمی در خانه و در میان اعضاء خانواده ها بود . تعلیمات و تشریفات مذهبی در خانواده ها انجام میگرفت . طلاق یا متار که بین مردان و زنان را بنظر تحقیر نگاه میکردند . اگر کسی باین عمل مبادرت میورزید او را ناقض قانون و سنت الهی میدانستند . با وجود اینکه اغلب این اصول بکلی از میان نرفته ، معذک در این قرن اخیر همه آن قواعد مراعات نمیشود . در سالهای اخیر تغییرات در زندگی خانوادگی بقدری عظیم بوده است که جمعی از علماء علم الاجتماع پیش بینی میکنند که زندگی خانوادگی در راه اضمحلال و نابودی است .

نفوذ و تأثیر زندگی خانوادگی در آینده هر ملت ، مهم و شایان توجه است و نباید از آن غفلت کرده و آنرا نادیده گرفت . بسیاری از

مورخین معروف معتقداند که: اولین عامل اضمحلال تمدنهای قدیم یونان و روم انهدام زندگی خانوادگی آنها بوده است. جمعی از دانشمندان دیگر نگران هستند که همین موضوع ممکن است برای تمدن کشورهای مغرب زمین رخ دهد و میگویند زندگی خانوادگی را باید بسبک قدیم برگرداند تا از این خطری که در پیش است محفوظ بماند. حالا باید تحقیق کرد و دید: آیا ترس و نگرانی آنها اساس دارد یا نه؟ واقع و حقیقت امر چیست؟

**دلایل ز رانی** - بطوریکه این اوقات میبینیم تغییرات تهدید کننده‌ای در زندگی خانوادگی اغلب ملل فعلی دنیا بروز کرده است. خانواده‌ها و جو اجتماعی که سابقاً بامر کشاورزی اشتغال داشتند و زندگی آنها سابقاً بحالت اجتماع ممکن بود. حالا در غالب کشورهای بکارهای صنعتی که لازمه آن زندگی انفرادی است مبدل شده سابقاً که بیشتر مردم بزراعت مشغول بودند در صحرای مزارع میزیستند با هم غذا صرف می‌کردند و می‌آسودند تشریفات دینی را با هم بجامی آوردند، اما در زندگی صنعتی امروز دنیا غالب آن مشترکات زندگی تغییر یافته کارهای صنعتی شوهر را از زن و فرزندان خود در ساعات زیادی که در کارخانه؛ یعنی خارج از منزل کار میکند جدا می‌سازد. اطفال بیشتر اوقات خود را در مدارس می‌گذرانند، تعلیمات مذهبی از دست پدر و مادر بیرون رفته و بدست کلیساها و عمال دینی افتاده است. فعالیت اجتماعی و کشاورزیهای زندگی که هر کس را برای رفع احتیاجات ضروری بهر سو میکشاند و میدواند او را از خانه و لانه خود دور ساخته. از هر پنج مادری که با اطفال وابسته با او در خارج از خانه‌ها استخدام شده اند. زنان

شوهر دار بیش از زنان مجرد ، در مؤسسات نظامی مشغول کار شده اند . با این وضع اعضاء خانواده بر سبیل اتفاق ممکن است با هم زندگی کنند و پیش هم باشند . ولایت یا ریاست خانواده در شرف از میان رفتن است . دکتر Kane رئیس قسمت امور اجتماعی دانشگاه Notre dame میگوید وظیفه پدری در یک خانواده ، دیگر از میان رفته و مانند شغل زین و یراق سازی برای اسبان یا نعلبندی برای بعضی از حیوانات چارپاشده است . مادران از شغل سابق خود در امر خانه داری دست برداشته اند سابقاً از نظر صرفه - جوئی و تدبیر امر منزل ، برای یکمرد بسیار مفید و لازم بود که زن و بچه داشته باشد ؛ امروز عائله برای یکمرد مانند باری است که بدوش او گذاشته باشند . ازین گذشته ، امروز یک زن میتواند بواسطه درآمدی که از شغل خود پیدا کرده مخارج زندگی خود را متحمل شود و بشوهر خود اتکاء و امیدی نداشته باشد . تکالیف قوی دینی و اجتماعی که سابق برین زن و مرد را باهم یکی میکرد و آنها را باهم نگاه میداشت ، کم کم از میان برهشته میشود و در شته مودت و ارتباط قلبی بین پدر و مادر و اطفال آنها بقدری ضعیف و سست شده که پدران و مادران احساس میکنند که نسبت باطفال خود ؛ یا آنها نسبت بپدران و مادران تعهد و تکلیفی ندارند و نباید احترامی را بجا آورند . وقتی که لازم شود ، مرد وزن خانه ای را با پدر و مادر سالخورده و از کار افتاده خود قسمت کنند و باهم زندگی کنند این موضوع بنظرها مضحك می آید جنگ ها و انقلابات خوانواده ها را دائماً دستخوش بی نظمی و درهم ریختگی میسازد خدمات نظامی پسران و دختران را از خانواده هادور و جدا میسازد . صدها هزار نفر مردم آواره ؛ فعال در خاور میانه سرگردان

و پریشان روزگاری رامیگذرانند. همه جا و همواره مردم در حال جنبش و بیقراری هستند. در سال ۱۹۵۱ قریب هشت میلیون اطفال آمریکائی مشغول نقل و انتقال از خانه‌ای بخانه دیگر بودند. یک‌خمس مردم بومی يك ایالت آمریکا بایالات دیگر که زادگاه آنها نبوده رفته‌اند بی‌ثباتی زندگی خانوادگی در آمریکا در مطبوعات آن کشور تأثیر زیاد کرده بقسمیکه صاحب‌نظری اظهار داشته که یکنفر خارجی وقتی رمانها و مجلات آن کشور را در خصوص زندگی در آنجا میخواند. پیش‌خود تصور خواهد کرد فامیل‌های آمریکائی اختلاطی از مردمان جنایتکار و عصبانی است که در نتیجه دیدن مناظر مفسده‌انگیز در تلویزیون‌ها یا گذارشهای دکتر کینسای معروف (Kinsey) در موضوع روابط نامشروع مرد و زن برای اطفال غرائز جنسی یا نزاعهای خانوادگی راجع بامر طلاق در محاکم دادگستری، از خط سیر عادی و طبیعی خارج شده البته این تصور آمیخته باغراق است.

### موضوع ازدواج یا توالدو تناسل در قرن اخیر

در آمریکا و سایر کشورها زندگی خانوادگی چنانکه باید و شاید نیست. در آمریکا از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۳۹ عدد کودکانی که در نتیجه ازدواج غیرقانونی بدنیا آمده‌اند پنجاه درصد علاوه شده است. در کشور سوئد که هفت میلیون جمعیت آن است هر سال (۲۷۰۰۰ نفر) کودکان نامشروع بدنیا می‌آیند. از هر ده نفر زن سوئدی که حالا شوهر دارند هفت نفر آنها پیش از عقد ازدواج باردار شده و حد اقل يك بچه داشته‌اند اطفال غیرقانونی یا نامشروع در کشورهای دیگر هم زیاد شده است. میزان

طلاق در کشور سوئد در ده سال اخیر ، ده درصد و در نیم قرن اخیر هزار درصد علاوه شده است . گذارشهای تازه ای که از انگلستان رسیده نشان میدهد : میزان طلاق که در سال ۱۹۳۷ پنج هزار بوده ، در ده سال اخیر ده برابر شده . اگر حد متوسط طلاق را در هر صد فقره ازدواج در آمریکا در ده سال بین ۱۸۸۱ - ۱۸۹۰ يك واحد فرض کنیم در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۹ ده برابر شده است بطور تخمین از چهار ازدواج یکی بطلاق منجر میشود ، در چهل سال اخیر میزان طلاق در کشورهای هلند و دانمارک و فرانسه و روسیه بسرعت افزایش یافته در کشور آمریکا قریب هفت میلیون نفر اطفال یا جوانانی که سن آنها از ۱۸ کمتر است بایکی از پدر و مادریا بدون هیچیک از آنها زندگی میکنند ، علت آن همانا متار که بین زن و شوهر یا ترک خانواده از طرف پدر یا مرگ یکی از آنهاست .

### جنبه و جنایت جوانان

شهوت پرستی و ولگردی ، یا مقدم داشتن لذات نفسانی بر اداء وظیفه و تکلیف ، در میان جوانان اغلب کشورها بسیار شیوع پیدا کرده ؛ این پیش آمد خود علامت انحطاط و تنزل زندگی خانواده ها و ملل و در نتیجه موجب سست شدن و فروریختن پایه های تمدن جدید است زندگی خوانوادگی را این قبیل جوانان فاسد و هرزه بر هم میزنند اما اگر موضوع فساد ، جوانان را بیطرفانه و عالمانه قضاوت و آنرا تجزیه و تحلیل نماییم ، جوانان بدبخت و بیچاره اند و مسئولیتی ندارند ، زیرا آنها قربانی فساد جوامعی شده اند که نظم و تربیت باصلاح و تقوی را بلجام گسیختگی تبدیل کرده اند ، جوانان شهید فروریختن بنیان زندگی

خانوادگی و از میان رفتن اصول و قواعد زندگی خانوادگی و حق ولایت و سیادت رؤساء خانواده ها و بزرگان يك شهر یا يك کشورند جووانان قربانی اعمال کسانی شده اند که برای اجرای شهوات و امیال باطله خودشان از هر موقع برای نفع مادی استفاده میکنند، حق را از باطل و خیر را از شر تمیز نمیدهند، قسمت زیادی از جرم و جنایت جووانان نتیجه شهوات نفسانی کسانی است که فقط بفکر خود هستند و بحقوق طبیعی دیگران توجهی ندارند.

مردم امریکا امروز مواجه با وضع فوق العاده ای شده اند و آینده آنها مورد تهدید قرار گرفته در سرتاسر آمریکا هفتصد و چهل هزار جوانانی که سن آنها از ۱۸ کمتر بوده در سال ۱۹۵۷ بواسطه جرمها و اعمال خلاف مقررات و قوانین بازداشت شده اند و روز بروز کارهای زشت آنها افزوده میشود، بطوریکه پیش بینی میشود: در سال ۱۹۶۲ هر سال يك میلیون نفر از جوانانی که سن آنها کمتر از ۲۰ باشد بواسطه کارهای زشت و خلاف بازداشت خواهند شد، بطور کلی باید گفت که جرم و جنایت جووانان ناخوشی عالم گیر شده است و انحصار و اختصاصی با امریکا ندارد.

### چاره چیست ؟

بعد از ذکر مطالبی که باختصار گفته شد، میگوئیم که: برای رفع این معایب و مفسد زندگی خانوادگی را باید اصلاح و تقویت کرد. اصول و قواعد مفید از دست رفته را که موجب سعادت افراد خانواده و ملتها میشود باز گرداند و آنها را دوباره اجرا نمود، یعنی زنان تابع شوهران شوند و نسبت بآنها احترام بگذارند، شوهران زنان خود را

دوست بدارند و حقوق آنها را مراعات کنند زیرا آنها شریک زندگی و بهترین غمخوار آنها هستند . از زنان خود نباید سوء استفاده کنند و نسبت با آنها عاطفه و مهر و محبت داشته باشند . از زنان خود تمتع برند برای هوسرانی دنبال زنان دیگر نروند . عقد زناشویی باید مقدس و منزّه شمرده شود و نباید آنرا آلوده و کثیف کرد . پدران نباید فرزندان خود را خشمگین و عصبانی سازند و با آنها خشونت و تنیدی کنند و از وظایف پدری فقط سختگیری و تحکم را بموقع اجرا نگذارند باید در خانواده طوری رفتار نمایند که همه اعضاء آن آنها را دوست بدارند پدران باید آنها را بر عایت نظم و ادب عادت و با آنها تربیت صحیح بدهند . بسیاری از جرمها و جنایات جوانان بواسطه تربیت شایسته پدران و مادران از میان خواهد رفت . اطفال و جوانان هم باید فرمانبردار پدر و مادر باشند و این حقیقت را باید قبول کرد و پذیرفت که اگر پدران و مادران وظیفه خود را نسبت بفرزندان چنانکه باید انجام دهند ؛ آنها هم طبیعتاً تکلیف خود را نسبت با آنها بیشتر و بهتر ادا خواهند کرد .

اگر آنچه در این مقاله باختصار گفته شد و نظائر آن حقیقتاً در خانواده ها صورت پذیرد ، یعنی این دستورها اجرا گردد ، همه اعضاء خانواده خوشبخت و باسعادت خواهند شد . جرمها و جنایات از میان میرود یا کمتر میگردد . طلاق یا متار که یا احساس نگرانی و شکست درزندگانی خانوادگی بدون شك واقع نخواهد شد . در نتیجه سعادت و لذت زندگی خانوادگی نصیب تمام اعضاء خانواده بشریت خواهد گردید .